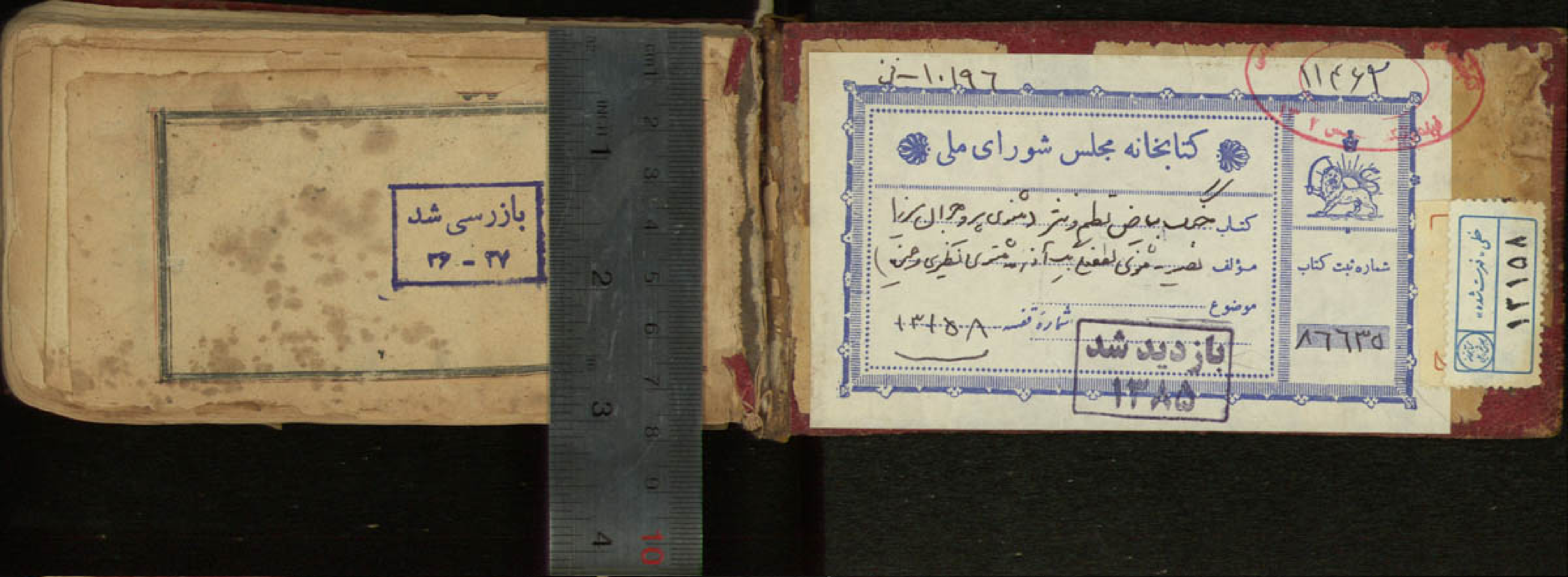
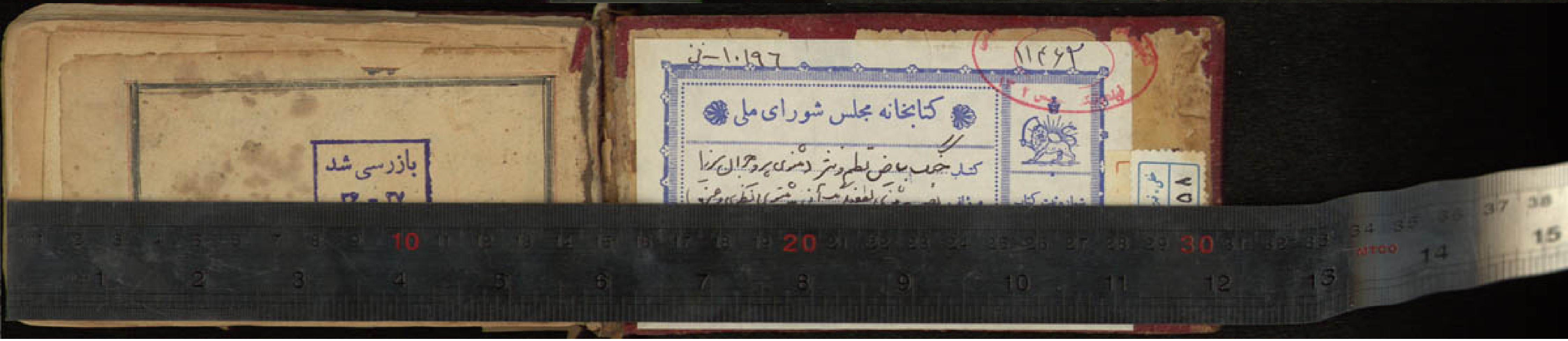


بازرسی شد
۳۶ - ۳۷
ن-۱۰۱۹۶
۱۱۴۶۴
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره ثبت کتاب
۸۶۶۳۵
بازدید شد
۱۳۸۵
خطی فهرست شده
۱۳۱۵۸



۱

[illegible]

۲

کریمهٔ ولا یغتب بعضکم بعضا الخ مخبر دُر
رزبب یر حدیث شریفده که الغیبة اشد
من الزنا ایات معتقد جمهور انفاسید دفاع جمیته
ساعیت در دوکان سالت جرء توزره گس
پیشه بشته باشی ولکن علامت گریبانی را
وقت خمشرا ؛ که مار ادر علامت بیکبار ؛ زیرگی
در مجلس محافل و مجمع عام ضرار یکنند ورک
جان به نیش ضرب طعن متمرک شده در لطف
تحقیقه مشتمل بر اکلاه دحلق متو کنند ما فهم
تیرنا چون بر سر نشده دیری که بر دو غیب کوی
حیله دری ترتیب باقیه باشی الیام کند او بودکا
قال ۳ جراحات السنان لها التیام ؛ ولا یلتام
ماجرح اللسان ؛ باقی عدنان الثلاثی

[illegible] ؛ از خوف [illegible]
[illegible] دیده [illegible] ؛ [illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible]
برادر [illegible] لا تجسسوا
[illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible] عند الله اتقاکم ؛ [illegible]
[illegible] عالم ؛ [illegible]

۳

کسی [illegible] علم [illegible] ؛ که [illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible] در ظاهر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در عالم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دلنواز [illegible] ؛ [illegible]

۴

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible]
[illegible] ؛ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
برای [illegible]

بامر الهی از نفس [illegible] فی سبیل الله کسی که در [illegible] تابع بهشت
ولاله حسن بن علی قرة العین علی المرتضی نور دیدهٔ
فاطمه زهرا [illegible] الکبری حسن مجتبی [illegible]
[illegible] سید شهدا غریب کربلا اسیر کرب و
در خاک و خون ناله پر غم و دلی اکنده [illegible]
صفوهٔ جهان [illegible] الامام الثقلین زبدهٔ
الکونین سید الحسین نور المشرقین الامام
[illegible] بالحق ابی عبد الله الحسین علیه الصلوة
والسلام الفاتحه ثم الفاتحه

مرثیه در کلمهٔ احباب که [illegible] گویشند

ای داده [illegible] وفایی تو ❁ جدا در آشنایی تو
[illegible] که العیاذ بالله [illegible] الهی [illegible] سیده که
احکام الهی و اخبار حضرت رسالت پناهی [illegible]
تعطیل و دفاتر [illegible] از روی [illegible]

گره بر ابرو [illegible] عنبر در [illegible]
قباب نافه بخش [illegible] خلق [illegible]
مالک الملک استحقاق فاطمه [illegible]
لارستان ارادت افسر ازرق فیروزه [illegible]
نیلگون [illegible] وطلیعهٔ [illegible] اعلی [illegible]
سراجی [illegible] طراز کارگاه دانش
و بینش و طراوت بارگاه فرخ منش
و [illegible] فرق فاروق تفکر و تدبیر و اکلیل
مبارک جهان و تسویه احوال دقایق [illegible]
و [illegible] کشف حقایق عزم جزم [illegible]
و چراغ انجمن کاه دولت و [illegible]
و [illegible] حقیقت [illegible] امان
[illegible]
[illegible]
[illegible] آل عبا [illegible]
[illegible]

[illegible]

زهی شمشیری ❁ [illegible]
[illegible] ❁ [illegible]
کشاده ❁ [illegible] ❁ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
امارت [illegible]
فرست [illegible]

خلد الله ملکه [illegible]
فاتحه [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible] کامکاری [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible]
خرم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کلاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ❁ [illegible] ❁ [illegible]

[illegible]

همت گردون [illegible] خورشید کمر [illegible] شهریار
سپهر [illegible] قباد پیکر خاقان [illegible] ابوالمظفر
[illegible] افراسیاب . بهمن جهان [illegible] خسرو
تاج بخت [illegible] شاه . [illegible] پادشاهی
به خاتم [illegible] آیین . قرهٔ باصرهٔ ظفر
قاجاری . دوحهٔ ناصیهٔ دبدبهٔ جهان داری
را [illegible] ممتاز [illegible] سلسلهٔ کیان [illegible] والا را
[illegible] حالت زمره پیش سلطان الملک
الملوک الکیانیة . سلطان السلاطین
القاجریة . خدیو جم جاه انجم سپاه عالم
پناه ظل الله شاهنشاه جمشید حضرت قدر
قدرت مریخ صولت بهرام شوکت کیوان حشمت
[illegible] حضرت ظل الله السلطان بن السلطان
السلطان ابن السلطان ابو [illegible] شاه

ایران عزت سکندر حشمت [illegible] جهان
نژاد کی قاآن [illegible] و هوشنگ [illegible]
بر [illegible] جلال الدین خاقان [illegible]
[illegible] سپهر [illegible] چهر فریدون
فر هوشنگ هوش نوذر ظفر داراب دارا
[illegible] بهرام [illegible] و [illegible] سام
[illegible] بخشش [illegible] شیر [illegible]
[illegible] و [illegible] دیده شکوه
یزدجرد توان کاووس [illegible] قباد
طهماسب [illegible] قدرت [illegible] عدل اسکندر
[illegible] خاقان فغفوری
و طلوع طلیعهٔ طلعت طالع تیموری این فلک
عرصه [illegible] در [illegible]
بساط [illegible] طاق [illegible] جمشید

ذکر من کلام [illegible] شاه

هستم [illegible] چو برق [illegible] هستم
نسیم در نفحات [illegible] گردون
[illegible] چشمه [illegible] در فش
نقش [illegible] آیین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و [illegible]
[illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] خدایگان
[illegible] جهان پادشاه [illegible]
[illegible] صفات [illegible]

[illegible] عالیه [illegible] عالی
مهمات [illegible] فلان
و رعایای فلان [illegible] سفیدی [illegible] عایدی
خدمت کلانتری [illegible] کدخدایان [illegible]
بنا بر این حسب [illegible] ریش سفیدی [illegible]
مهمات مذکور کلانتری [illegible] مفوض
و رعیت و [illegible]
و مرجوع گردانیدیم که [illegible] دیوانی
و در ترتیب [illegible] زراعت و عمارت
و نظم [illegible] نموده
و باب [illegible] قیام و اقدام [illegible]
معمولی [illegible] و شفقت [illegible]
توجهات [illegible] که [illegible]

[illegible] خصوص [illegible] عالیجاه [illegible]
سرکار [illegible] فضیلت [illegible]
فاضلی [illegible] سرکار عالیه [illegible]
فاضل [illegible]
و منتظر [illegible]
[illegible] مخصوص [illegible]
[illegible] منتصب [illegible]
سرکار عالیه حسب [illegible]
[illegible]
عالیه [illegible]
تحریراً فی شهر [illegible] فلان سنه [illegible]

[illegible] شخص [illegible]
[illegible] فلان [illegible]
[illegible] فاضل [illegible] سرکار عالیه [illegible]
فلان [illegible]
[illegible]
[illegible] قیام و اقدام [illegible]
[illegible] جمع و خرج [illegible]
[illegible]
سرکار عالیه [illegible]
[illegible] خدمت [illegible]
[illegible] وکلای عالیه [illegible] ناظر [illegible]

موقوفات [illegible]
[illegible]
که [illegible]
[illegible] بسیار [illegible]
[illegible] جمع و خرج [illegible]
[illegible]
[illegible] فضل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فلان [illegible]
کمالات [illegible]
[illegible]
در [illegible] علمی [illegible]
در مکتب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳

[illegible]

[illegible] ذائقة الموت [illegible]

۱۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] شیخ [illegible]

[illegible]

[illegible] سلطان [illegible] الله [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] شیخ [illegible] عارفان [illegible]

[illegible]

در عین قربت که بمولانا
ابواب ربع و داد و دمساز جمع منتظر ادر
و منتها مستحضر اسد که فلان حقکذار
مخلص محبت ... بیوسته فی کل الغیب و علانیه
مخلص محبت بار قامت و دوام نموده و دعا
جمع
مسلم جانب ... فلان
و صدق ... مستند للعه که فلان و لا ود له
مستحضر دیاکه بیوسته بر وظیفه دولا ود
تسبیه دیاکه بهوادار ... و اعتقاد موقت ... فلان
در رابطه بهوادار ... مستند للعه که فلان ما در ... دم
دین ... که در هم ... بنت ... فلان
محبت حقیقت خدمت گذار ... للعه که فلان
و در موقف مستحضر که بر ... لادر ... مدار
مسیحا ... حقیقت ... مدوف
در عین ... گذار ... مدوف حقیقی
اخلاص ... و در موقف
بهوادار

فلان
محبت و قربت که در عقیده ... مکارم ... غایت
بحسب ... غایت و اخلاص ... ارغلان ... و مکنون ضمیر
کیفیت ... ارادت ... مشهود ... ارادتکه فلان
احباب ... انخیاب ... ارادت و ... و عبادت
منیر خورشید ... که لیلا و نهارا ... مقبول ... عبادت
محبت و قربت ... و اوصاف ... طرف و علیه ... ضمیر
ذکر مکارم ... ارادت ... آثار ...
لطف ... کایت و ... مشهود ... ضمیر ... الطف
اخلاص فایض ... در عین ... اشتغال
که فلان ... رضا ... جر ... که فلان
دعاگوی ... و رد ... منتظر ... تمهید ... دعا
ذلک ... که پیوسته ... اخلاص ... اعتقاد ... مشهود
در عین ... فلان
و در الصفوة ... مبا ... و ... مشهود
که فلان

شکیبا ... غیرت ... و احتیاجات
رقم و وفا ... و احتیاج
شمامه ... کفایت ... بانمام ... ارتسام
اعداد ... و قواعد ... نهایت ... و نهایت ... اعتبار
موافقه ... غایت ... و زیاده ... و ارتباط
بیکان ... با وجه ... اقدام در ... و معاشرت
منوط ... بر ... ابرار ... جاودانی
رفعت ... که ... عین سعادت ... کامل ... ایت
ارقام ... کرامت ...
حضور خدمت ... ابواب ... صندوق ... صفحه ... ارای
ذخیره ... مطلوب ... که ارکن ... علیه ... و
صحبت و قربت ... و ذکر ... تمام و دعوی
و دل و جان ... ارادت ... حضور ... اللات
ملاقات ... مشهود ... ضمیر
الاکلام ... و مکنون ... بالغه
... ربنا

... [illegible]
مع الله ... و دعا و
و هم ... تحریر ... ارادت ... دعای
و روزگار ... ایشان ... از صفات ...
عطارد ... گفتار ... عاقله ... فلک ...
عالی ... گفتار ... تحقیق ... تعیین ... افلاک
و بطریق ... تحقیق ... بر ... و لا جرم ... مطلق و دولت
طاقت ... دعا ... در ... دلالت ... عمر و دولت
دولت و دعا ... نیک ... اشتغال
و تحقیق ... ارادت ... چون ... گشته
و لقای ... جاه و منزلت ... که چون ... مترون ... و دعا
و امید ... باجابت ... عرصه
با ... رتبت ... دفتر خانه ... الا
پیوسته ... اوراق ... و صفحات ... بود
و الامام ... و الفعلم
... و

[illegible] منیر خورشید [illegible] عالم [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible]

[illegible] جاه وجلال [illegible]

[illegible]

[illegible] مبارک [illegible]

[illegible] جاه وجلال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قسم ... [illegible]

شرح ... [illegible]

[illegible]

و الابیات

[illegible]

دیده و ... [illegible]

منشآت ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

[illegible]

انشاء الله تعالی

[illegible]

له

[illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عادت خود ساز کرم خلق مدام   باز کم کفش که کردی نیک نام   هرچه بپسندی بخود ای نوجوان   هیچ آن مپسند بر دیگران

[illegible]

از بهر بر بستر [illegible] ایمن شمار   در باش از خوف [illegible] روزگار   تا توانی هرگز نباشد [illegible]   خیلی از [illegible]

[illegible]

از کلام شیخ

[illegible]

من کلام کلیم

[illegible]

و له

[illegible]

من کلام [illegible]

[illegible]

من کلام صائب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نیاز ارین چه خواست قامت رعنا
که برده است یکعرده دل از کف ما

من کلام [illegible]

[illegible]

اعیب رد در بکنید تو و فرق بین مرگ [illegible]
جان میسپارم و بگذار میسپارم [illegible]

[illegible]

من کلام محتشم

جدا ز تو بلا کم به اشتیاق تو کو
تو نا خبر از آنچه بکردی غم فراق تو کو

برگ شاخ نخل کام [illegible]
شراب صحبت [illegible]

[illegible]

[illegible]

دل خلق [illegible]
[illegible]

بشکسته طره را در شسته مژگان
هر [illegible] کان کشکرش بین

[illegible]

جا عاشق [illegible] محبت
[illegible] دل [illegible]

من کلام [illegible]

[illegible]

ثانه

[illegible]

از کلام [illegible]

[illegible]

٦١

از کلام صائب

[illegible]

[illegible]

٦٢

[illegible]

ولە

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

ولە

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنیست آن بینی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وحده لا اله الا [illegible]

[illegible]

سینه مجروح دیر لشیم ازاوری پرنیک [illegible] درسه آینه [illegible]

وحده لا اله الا [illegible]

[illegible]

[illegible]

گردل صبح داری [illegible] دل در سر حکمت داری [illegible] دل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

الهی [illegible]

[illegible]

قصیده من کلام صالح

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

من کلام عاشق

[illegible]

[illegible]

من کلام حافظ

[illegible]

٧١

[illegible]

از کلام [illegible]

[illegible]

از کلام [illegible]

[illegible]

٧٢

[illegible]

از کلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

ومن کلامه

[illegible]

از کلام جابر

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بلکه [illegible]

زمره [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ولہ

[illegible]

ومن کلام مجرد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





گر تو بهی [illegible] نعیم مقیم
[illegible] السلیم

توبه در صبح [illegible]
این ملکی [illegible]

ور لذ توبه [illegible] وخف
[illegible]

زو میه [illegible]
ای [illegible] عاصی [illegible]

[illegible]

یکبار [illegible] ناجند [illegible] باطل
[illegible]

گرچه گفت زعد و شرابست
عفو و [illegible] زعد [illegible]

[illegible] عفو از [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این علم تو در [illegible]

[illegible] غالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

یارب یارب خجسته گردد [illegible] این رنج عظیم [illegible]

[illegible]

یارب بصبابت [illegible] علیم [illegible]

یارب [illegible]

کاین بنده [illegible] درین غصه [illegible] از [illegible] دربند [illegible]

[illegible]

[illegible] دولتشاه [illegible]

صد [illegible]

[illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible]

[illegible] فی عقلة [illegible] حالة

حایطة فی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل فی ذم المشتغلین بجمع اسباب الدنیا المعرضین من تحصیل العقبی

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

با وضوی [illegible] عیش بیگذارد
نام او [illegible] دل او [illegible]

[illegible]

این وجه ز رنگ روح قایم باشد
این وضع [illegible]

فصل فی ذم اصحاب المدارس الذین مقصدهم مجرد طلب المنصب و التدریس

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تو درین اوطان غریبی ای پسر
خو بغربت کرده‌ای خاکت بسر

آنقدر در شهر تن ماندی اسیر
کان وطن یکباره رفتت از ضمیر

رو بتاب از جسم و جان را شاد کن
[illegible]

[illegible]

[illegible]

گنج علم ما ظهر مع ما بطن
گفت از ایمان بود حب الوطن

این وطن مصر و عراق و شام نیست
این وطن شهریست کانرا نام نیست

زانکه از دنیاست این اوطان تمام
مدح دنیا کی کند خیر الانام

حب دنیا هست راس هر خطا
از خطا کی میشود ایمان عطا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل دوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل [illegible]

[illegible]

[illegible]

ز عشق اگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

تاریخ [illegible]

[illegible]

١٠٧

[illegible]

[illegible]

١٠٨

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آن دگر گفت [illegible]

[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
خسته [illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
دل [illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

گفت [illegible]
[illegible]

آن دگر گفت [illegible]
[illegible]

۱۲۵

می‌بایدم شب از هجران عشق

عمر کو تا وصف غم‌ها بکنم

تا بکام خویشتن زاری کنم

۱۲۷

[illegible]

[illegible]

۱۲۸

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عاشقا لا اله الا الله [illegible]

۱۲۵

۱۲۴

از ...ف پرس ...
مدام ... جام ...

چنان ... ازین
عشق کرد دست دادم

صد بار چشم ...
عاشق لا اله الا هو

۱۳۵

[illegible]

[illegible]

۱۳۶

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵۳

[illegible]

گه رسید جمله جهان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۵۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٢٧

١٢٨

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کاش [illegible] گستر باده
[illegible]

[illegible]

ایدل من زاین بیهوده [illegible]
کرده حازم [illegible]

[illegible]

رفت کار از دست [illegible]
[illegible]

[illegible]

صد [illegible]
روز [illegible]

[illegible]

نونهالی در گلستان جهان
دیده‌ام [illegible]

[illegible]

[illegible]

دل [illegible]
[illegible]

[illegible] که چاک شد
[illegible] پسند دل [illegible]

[illegible]

دل ز [illegible] چشم [illegible]
زین نشان دارم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت معشوق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتابش مجمع رازش سپارند
وصیتش حاکم مطلق جهاندار

[illegible]

در بیگی دلا [illegible] راز
نشانش را ز حق ره [illegible] پرداز

[illegible]

فلک [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

می که خط عقل [illegible]
می که عالم عشق [illegible]

[illegible]

گر آن [illegible] طریقت [illegible]
همه [illegible]

[illegible]

[illegible]

بگوش [illegible]
طلب کار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دستور لغوی [illegible]

رونق [illegible] - [illegible] اول

رشته [illegible] [illegible]

نان حلوا - صد پند لقمان

[illegible] رفیق سالک

[illegible]

[illegible] ۱۲۳۵

[illegible]

[illegible]